

ویلیگانه

تیرماه ۱۴۰۴

ماهنامه محلی کرمانشاه

هدیه اداره کل بهزیستی

استان کرمانشاه

باجبینی



باسمه تعالی



استفاده از زبان گویای هنر، به عنوان زیباترین و موثرترین زبان مشترک بین انسان‌ها، فارغ از هر نوع تفاوت سنی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، نژادی و قومیتی، نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری بر بالندگی و تکامل اجتماعی انسان‌ها داشته و یکی از ابزارهای مهم تعالی و

پیشرفت جوامع بشری می‌باشد. در این میان، نقش بی‌بدیل هنرهای تجسمی و تولید محتوای ادبی و خلق آثار هنری کودکان در قالب شعر، داستان، نقاشی، کاریکاتور و تصویرسازی برای آموزش کودکان، به عنوان یکی از تاثیرگذارترین و جذاب‌ترین اشکال هنر، تاثیر شگرفی در ارتباط و انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و انتقال پیام‌های ارزشمند انسانی و نیز تزریق امید و نشاط به کودکان این سرزمین خواهد داشت.

لذا در آستانه سالروز تاسیس سازمان بهزیستی کشور و به دنبال چاپ و انتشار دو شماره از ماهنامه ویژه بهزیستی «مجله کودک و نوجوان و یلکان» در سال گذشته و استقبال گسترده از محتوای تولید شده از سوی مخاطبان، تشویق شدیم در راستای مسئولیت اجتماعی خود، سومین شماره از مجله و یلکان را با موضوعات متنوعی از فعالیت‌ها و وظایف تخصصی حوزه توانبخشی تدوین و چاپ نمائیم.

اینک در طلیعه چهل و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان بهزیستی و مقارن با ایام محرم و سوگواری سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، خانواده بزرگ و تلاشگر بهزیستی استان

کرمانشاه، با تاسی از ائمه اطهار و امامان معصوم (ع)، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان گرانقدر جنایت اخیر رژیم جعلی صهیونیستی به خاک

مقدس ایران اسلامی، به ویژه همکاران ارجمندمان

زنده یاد «شهید فرامرز حضرتی» که در اولین روز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم غاصب اسرائیل در حمله به ساختمان اداره بهزیستی شهرستان قصر شیرین به شهادت رسیدند، عهد و پیمان می‌بندیم که با همت و تلاش مددکارانه خویش همچنان پای کار ایران اسلامی و آسایش و رفاه جامعه هدف سازمان بهزیستی باشیم، و با مشارکت مدیران مراکز زیرمجموعه و شرکای اجتماعی خود در راستای تحقق شعار هفته بهزیستی امسال «با هم برای بهزیستن: مشارکت امروز، توانمندسازی فردا» گام برداریم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات ارزشمند جناب آقای مرادی مدیر مسئول و سایر اعضای محترم هیئت تحریریه مجله و یلکان به لحاظ طراحی و تدوین مطالب به زبان کودکان و نیز سرکار خانم نرگس کیانی کارشناس مسئول دفتر تلفیق اجتماعی بهزیستی استان به لحاظ نظارت و نگارش مطالب تخصصی مرتبط با خدمات بهزیستی تشکر و قدردانی نمایم. امید است که بتوانیم برای آگاه‌سازی آحاد مردم و آموزش کودکان ایران زمین با خدمات و وظایف سازمان بهزیستی گامی هرچند کوچک برداریم.

بهزاد شهبازی

مدیرکل بهزیستی استان کرمانشاه

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: عبدالله مرادی بلشتی / مدیر اجرایی: فرنگیس صفری / زیر نظر شورای سردبیری / مدیر هنری: فائزه مظفری / مدیر تحریریه: پیوند فرهادی
طرح جلد: فاطمه موسوی‌راد / لینوگرافی: حافظ / چاپ آزادگان / کارشناس ناظر اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه: نرگس کیانی / یلکان شماره ۴۹ / تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه
نشانی: کرمانشاه، خیابان مدرس، روبروی مسجد جامع، مجتمع ایران طبقه دوم واحد ۷۲ / حق چاپ محفوظ و برداشت از مطالب نشریه منوط به اجازه‌ی کتبی می‌باشد.

www.aparat.com/wilkan آپارات Wilkanmagazine@gmail.com ۰۹۱۹۹۱۷۷۱۳۴ @Wilkan_m ۰۸۳-۳۷۲۹۲۲۹۹

تو خیلی مهربانی
همیشه با همه کس
و قدر خوبی ات را
خدا می داند و بس

نه خودخواهی نه اخمو
نه فکر سود یا پول
چه دلسوزی و همراه
برای شخص معلول

سراپا گوش هستی
برای قلب دلگیر
برای راه حل ها
چه مشتاقی، چه پیگیر!

دلت مانند دریاست
دلت مهمان نواز است
مدد کاری و کارت
همیشه چاره ساز است

مددکار، فرشته چاره ساز

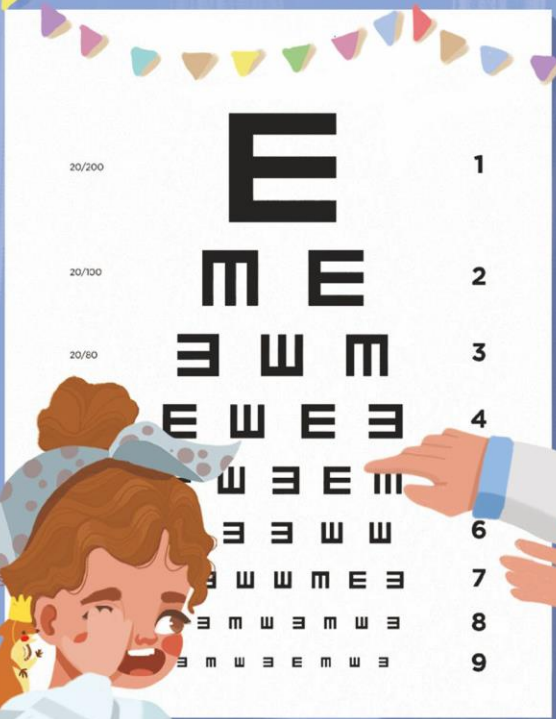
شاعر: پیوند فرهادی

تصویرگر: فاطمه چاله چاله



ماهنامه محلی کودک
ویفان

ویژه بهزیستی



پیشگیری از تنبلی چشم کودکان (آمبلیوپی)

آی پدر و مادرا، ای همه مردم خدا
پیشگیری خوبه که باشه، چون مایه ی سلامته
اگه همه عاقل باشن، سراغ مردم نمیداد، دردای
سخت و بی آمون

برای بچه های گل و کودکان شهرمون
معاینه چشم می تونه، لازم و خیلی خوب باشه، تا
چشما رو از دست ندن

اگه آدم عاقل باشه، اسیر سختی نمی شه
آسون می شه مشکلاتش، درد و بلا نمی چشه

معاینات دکترا، فردا رو روشن می کنه
چشما رو از رنج و بلا، دور می کنه
پس خوبه که ما تلاش کنیم، کوشش و همکاری
کنیم، تا کارا سامون بگیره

بیاین، بیاین
بهزیستی رو کمک کنیم
تا بچه هامون همیشه، زنده و تندرست باشن.

با نام خدا، یار آشنا
همونی که هست یاور ما

بچه ها سلام، بچه ها درود
پدرا سلام، مادرا درود
آهای شما،

اگه می خواین بچه هاتون سالم و تندرست باشن
اسیر درد و غم نشن، تاریک نشه دنیاشون
چشماشون رو از دست ندن
پیش پزشک مهربون، اونا رو معاینه کنین

باشه همیشه یادتون،
بچه ها با خنده هاشون، میوه های بهشتین
پر از محبت و صفا، گلای باغ آشتین
برای کودکانمون باید همیشه یار باشیم
توی مسیر زندگی، اونا رو تنها نذاریم

شعر: محمد کریم جوهری، شاعر دارای معلولیت جسمی حرکتی شدید

تصویرگر: فاطمه موسوی راد



ماهنامه محلی کودک
ویگانه
ویژه بهزیستی



برای شنیدن این شعر و دیگرو
مطالب وبلاگان نشانه را اسکن کنید



پلاک متفاوت!

در راه خانه‌ی مادر بزرگ، بچه‌ها توی ماشین نشسته بودند.
سوران گفت: «بیاین بازی پلاک خوانی کنیم! یه لحظه پلاک
ماشین کناری رو ببینیم، بعد چشم‌هامون رو ببندیم و هر کی
کامل تر گفت، برنده‌ست!»
ماشین‌ها یکی یکی رد می‌شدن و بچه‌ها با ذوق عدد‌ها رو
می‌گفتن.
نازنین با چشم‌های بسته گفت: «یه پلاک عجیب دیدم! روش
یه آدم کوچولو بود که روی صندلی نشسته بود. یعنی چی؟»



پدرشان، آقای امیری، لبخند زد و گفت: «اون پلاک مخصوص افرادی که معلولیت دارن یا همراهشان یک معلول است. ممکنه با ویلچر حرکت کنن، یا مشکل دیگه‌ای داشته باشن. این پلاک کمک می‌کنه راننده‌های دیگه شرایط اون‌ها رو بفهمن و رعایت کنن.»

نازنین گفت: «پس وقتی راننده شدم، حتماً مواظبشون هستم!»

مادر گفت: «آفرین! چون اون‌ها هم مثل ما حق دارن راحت زندگی کنن و برای سوار و پیاده شدن باید محل‌های مناسبی برایشان در نظر گرفته شود.»

پدر گفت: اون تابلو را ببینید؛ اون تابلو کنار خیابان هم محل پارک همین خودروهاست و نباید خودروهای دیگه اونجا پارک کنن.

نویسنده: عبدالله مرادی
تصویرگر: زهرا منتظری



ماهانامه محلی کودک
ویلا
ویژه بهزیستی

۷

برای شنیدن این داستان و دیگر مطالب ولکان نشانه را اسکن کنید



مثل پروانه

علی روی نیمکت کنار مادرش نشسته بود و همینطور که دکمه آستین لباسش را مدام باز و بسته می‌کرد به بچه‌هایی که توی پارک از این طرف به آن طرف می‌دویدند و با هم بازی می‌کردند نگاه می‌کرد، ولی به نظر نمی‌رسید دلش بخواهد به آن‌ها نزدیک شود.

مادر بلند شد، دست علی را گرفت و گفت: «علی جان، بیا برو با بچه‌ها بازی کن.»

علی سرش را پایین انداخت و گفت: «من نمی‌تونم.»
مادر گفت: «چرا نمی‌تونی؟ اون‌ها همسن و سال خودت هستن.»
علی گفت: «اونا سروصدا دارن، من سرم درد می‌گیره. همه‌شون جیغ می‌زنن. من دوست ندارم.»
مادر از ته دل آهی کشید و سر علی را نوازش کرد و گفت: «در عوض تو استعداد و توانایی‌هایی داری که بچه‌های دیگه کمتر دارن.»



بعد بلند شد، شیلنگ آب را برداشت تا به گل‌های باغچه آب بدهد.

علی آهسته دست‌هایش را بالا برد و مثل بال تکان داد. با تکان دستهای او، پروانه‌ها بال زدند و پرواز کردند.

نویسنده: آزاده سالمی
تصویرگر: نرگس امیری

فردای آن روز، علی در حیاط خانه‌ی پدربزرگش دور خودش می‌چرخید. او عاشق چرخیدن دور خودش بود. وقتی می‌چرخید احساس آرامش می‌کرد. چشمش به پروانه‌ای افتاد که روی گل کوکب نشسته بود. آرام نشست و با دقت به بال‌های خال‌خالی‌اش نگاه کرد. بعد، مثل کسی که راز مهمی را فهمیده باشد، به آنها خیره شد.

یک پروانه‌ی دیگر، با بال‌های ساده اما زرد آمد و کنار پروانه‌ی اول نشست. علی تکان نخورد. می‌ترسید پروانه‌ها پیرند.

مادر از پشت سر صدایش زد: «علی!»

علی دست‌هایش را روی گوشش گذاشت. صدا برایش بلند بود.

مادر آرام‌تر گفت: «پسر، داری چیکار می‌کنی؟»

علی گفت: «مامان، آروم بیا پیش من، سر و صدا نکن پروانه‌ها می‌پرن.»

مادر آرام به او نزدیک شد و کنارش نشست.

علی گفت: «بین مامان، این دو تا پروانه با هم فرق دارن. یکی شون

خال داره، یکی شون نداره ولی جفت‌شون قشنگن. کنار هم هستن و با هم دوستن.»

مادر لبخند زد: «درسته. مثل تو و بقیه‌ی بچه‌ها.»

علی گفت: «من با بچه‌های دیگه فرق دارم. من جایی که صدا زیاده اذیت می‌شم. من شلوغی رو دوست ندارم، من دوست دارم تنها باشم.»

مادر گفت: «می‌دونم عزیزم. تو مثل پروانه‌ای. فقط بال‌هات با بقیه پروانه‌ها فرق دارن. شاید تتونی بعضی کارها رو مثل بقیه انجام بدی، ولی تو هم قشنگی. تو یه چیزهایی بلدی که خیلی‌ها بلد نیستن. از همه مهم‌تر اینکه تو خیلی مهربونی.»

بچه‌های اوتیس هم دنیا رو یه‌کم متفاوت‌تر می‌بینن و احساس می‌کنن، ولی می‌تونن دوست‌های خوبی باشن.

برای شنیدن این داستان و دیگر مطالب ولکان نشانه را اسکن کنید



ماهنامه محلی کودک
ولکان
ویژه بهزیستی

نقاشی های شما



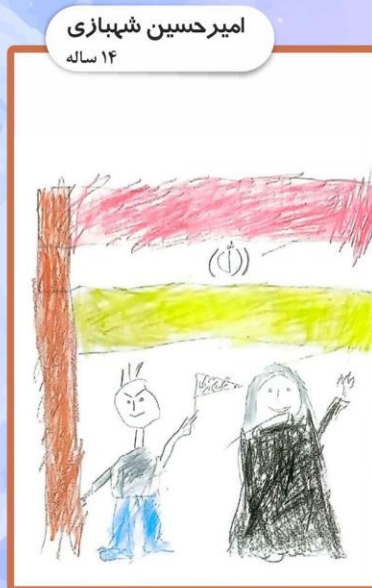
نیکا دارستیان
۱۰ ساله



روژان سلطانی
۶ ساله



سینا نیاهی
۱۱ ساله



امیرحسین شهبازی
۱۴ ساله



محمد یعقوبی
۱۱ ساله



محمد طاهها سلیمانی
۱۲ ساله



ویگاق
۱۴۰۴ تیرماه

۱۰

مونا احمدی



مریم شعبانی چشمه گچی



محمد سهیل عزیزی فر



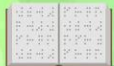
افسانه مرادی



زهره کریمی



آثار کاریکاتور جمعی از هنرمندان دارای معلولیت تحت پوشش بهزیستی استان کرمانشاه، با موضوع جوانی جمعیت و فرزندآوری، مشکلات تک فرزندی و چالش های آینده خانواده.





علیرضا ایزدی

قهرمان ملی

دارای معلولیت جسمی حرکتی
عضو تیم ملی
پاراوزنه برداری

بخشی از افتخارات این قهرمان ملی

✓ مدال طلای مسابقات پار آسیایی جوانان ۲۰۱۷
و اهدای این مدال به زلزله زدگان کرمانشاه

✓ مدال طلای مسابقات آسیا اقیانوسیه جوانان ۲۰۱۸
و اهدای این مدال به شهید خردسال حادثه تروریستی اهواز محمد طاهای اعدامی

✓ مدال برنز مسابقات آسیا اقیانوسیه بزرگسالان ۲۰۱۸

✓ رکورددار جوانان جهان و آسیا از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱

جوان برتر استان کرمانشاه
در حوزه فعالیت اجتماعی و ورزش و سلامت
در سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳

دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد
در رشته حقوق بین الملل

